

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه اول دعای ۴۱ (پرده پوشی از گناهان)

جلسه ۲۵۸ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۳۹۸/۱۰/۲۳



- گذری کوتاه بر مضامین اصلی دعا
- رابطه‌ی تقوا و ستر الهی
- کارکرد تقوا
- دعای فرشتگان برای مؤمنان
- صلوات، بهترین آغاز برای دعاها
- داستانی از کرامت امام رضا (علیه‌السلام)
- سنگ تمام خداوند برای انسان
- پذیرایی از جان، درخواست مؤمن از خداوند
- شهادت، اوج تکریم انسان توسط خداوند
- سلیمانی، شهیدی متفاوت و ویژه
- مواظب نعمت‌ها باشیم
- جدا شدن صف دوست از دشمن در حادثه سقوط هواپیما
- تعرض به نیروهای نظامی، گناهی نابخشودنی
- خاطره‌ای نفس‌گیر از عملیات کربلای ۵
- نکاتی درباره ساقط شدن هواپیمای مسافربری

الْوَقَايَةِ». این دعای امام (علیه السلام) در موضوع درخواست پرده پوشی از سوی خدای متعال و در حفاظت ماندن انسان نسبت به آفت‌ها و گرفتاری‌ها است. ما در دعای سی و چهارم تقریباً بحث مفصلی در باب پرده پوشی حق داشتیم و اینکه در نگاه امام (علیه السلام) یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی که خدای متعال به انسان‌ها کرامت کرده، این است که آنها را در پوشش عنایت خودش قرار داده. ستاربت حق تبارک الله و تعالی به عنوان یک نعمت بزرگ که باید شکرگزاری شود، در آن دعا مطرح می‌شود. عرض کردیم شکرش به این است که انسان از فرصتی که خدای متعال برای حفظ شخصیت و آبروی او در اختیارش گذاشته، استفاده کند و رابطه بین خودش و خدای متعال را اصلاح نماید. این بهترین فرصت برای توبه، استغفار، پاکسازی، تصمیم بر اصلاح، عزم بر خودسازی، عزم بر رفع نواقص است. چقدر خوب است که انسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمده

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ السُّتْرِ وَالْوَقَايَةِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أفرشني مهَادِ كَرَامَتِكَ، وَ أوردني مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ، وَ أَحللني بِجُودِكَ جَنَّتِكَ، وَ لَا تَسْمِنني بِالرَّدِّ عَنكَ، وَ لَا تَحْرِمني بِالْخِيَةِ مِنْكَ. وَ لَا تُقَاصِنني بِمَا اجْتَرَحْتُ وَ لَا تُنَاقِشني بِمَا اكْتَسَبْتُ، وَ لَا تُبْرِزْ مَكْتُومِي، وَ لَا تَكْشِفْ مَسْتُورِي، وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيَّ مِيزَانَ الْإِنصَافِ عَمَلِي».

### گذری کوتاه بر مضامین اصلی دعا

به امید خدای متعال مضامین چهل و یکمین دعای صحیفه مبارکه سجاده را گزارش می‌کنیم. عنوان دعای چهل و یکم این است: «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ السُّتْرِ وَ



حفظ می‌کند. حضرت اینجا بلافاصله می‌فرماید: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ؛ بهترین جامه [لباس] تقوا است». این ترکیب لباس و تقوا جزء ترکیب‌های بسیار زیبا و بدیع قرآن کریم است. حضرت حق تعالی اینجا تقوا را به منزله لباس برای انسان تلقی می‌کند که همان جنبه صیانت و حفاظت دارد.

### کارکرد تقوا

تقوا کارکردش این است که شما را در برابر انواع و اقسام گناهان و وسوسه‌ها حفظ می‌کند. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» [۲] در حقیقت کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند». آنهایی که از تقوا بهره‌مند باشند، از این سپر و این لباس و این پوشش محکم

«وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ» [۱] بهترین جامه [لباس] تقوا است». این آیه ضمن آیاتی است که خدای متعال راجع به لباس صحبت کرده است. لباس واقعاً نعمت است؛ هم برای ما جنبه پوشاندن چیزی را دارد که دوست نداریم دیگران ببینند، هم زینت است و ما را در برابر آسیب‌های محیطی (سرما و گرما) حفظ می‌کند. آنجا که این مطلب را خدای متعال مطرح می‌کند، سپس می‌فرماید: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ؛ بهترین جامه [لباس] تقوا است». شاکر این نعمت باشید و از آن استفاده کنید. هر وقت هم لباس می‌پوشید، بر اساس پیشنهادی که امام صادق (علیه‌السلام) دادند، توجه پیدا کنید به اینکه خدای متعال عیب‌های شما را پوشانده است. هر وقت انسان لباس می‌پوشد، یادش بیاید که خدای متعال او را مورد عنایات خودش قرار داده و عیب‌ها و گناهان و خطاهایش را پوشانده است و آبرویش را

ما این است که نمی‌بینیم چه خطری دارد به ما وارد می‌شود. تقوا پوشش هوشمندی است که انسان متقی را از تیررس شیطان، چه تیره‌های کوچک و چه بزرگ، حفظ می‌کند.

شما این را از خدای متعال بخواهید. همین لباسی که می‌پوشید، این هم نعمت است؛ ولی توجه پیدا کنید، اگر این لباس جسم شما را در برابر مخاطرات حفظ می‌کند، آن لباس جان شما را در برابر خطرهای حفظ می‌کند. آنچه جان ما را حفظ می‌کند، بهتر است یا آنچه جسم ما را حفظ می‌کند؟ پس به دنبال تقوا باشید و آن را به دست بیاورید.

### دعای فرشتگان برای مؤمنان

خداوند تبارک و تعالی فرشتگانی را قرار داده در مواقع قرب که در آنجا دعا مستجاب است؛ یعنی جایگاهی است که دعا در آنجا اصابت می‌کند، اینها کارشان این

برخوردار می‌شوند. جالب است که بر اساس این آیه کریمه، تقوا کارکردش هوشیارسازی انسان در برابر وسوسه‌ها است. اگر وسوسه‌ای از طرف شیطان بیاید، شما یک پوشش هوشمند دارید که بلافاصله این وسوسه را که خیلی ظریف و لطیف است و خیلی سخت دیده می‌شود، تقوا، روح و جان انسان را هوشیار و متوجه می‌سازد. یعنی یک پدافند قوی است. وسوسه‌ها را که دیده نمی‌شوند، می‌بیند و فوری آنها را منهدم می‌کند. بر اثر تقوا، هنگام وسوسه‌ها حالت ذکر و توجه در انسان پیدا می‌شود. خوش به سعادت کسانی که به چنین دستگاهی مجهز شده باشند.

شیطان کارش شلیک وسوسه‌ها است، ریز و درشتش را به سمت انسان می‌فرستد و رحم نمی‌کند. در ارتباط با وسوسه‌های شیطانی، چیزی که انسان را حفظ می‌کند، بصیرت است. مشکل

بینخش. شما می‌گویید خدایا مرا بینخش، آنها اجابت همین دعا را برای شما می‌خواهند. در ضمن همانجا از خداوند تبارک و تعالی برای شما وقایه می‌خواهند و می‌گویند: «وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ؛ [۶] آنان را از بدی‌ها نگاه دار». خدایا اینها را در سپر حفاظتی خاص خودت از تیررس شیطان محافظت کن؛ از اینکه گرفتار گناه شوند، حفظشان کن. بعد می‌فرماید: «وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتُهُ؛ وَ هَر كَه رَا دَر اَن رُوْز اَز بدی‌ها حفظ کنی، البته رحمتش کرده‌ای». اگر کسی را در چنین سپر حفاظتی قرار بدهی، به اینها رحم کردی. واقعاً شما مرحوم هستید، خیلی قدر بدانید این رحمت الهی را که شامل حال شما است. چه رحمتی بالاتر از این؟! خدای متعال انسان را از خیلی از گناهان حفظ کرده. من و شما با کسانی که مبتلا به گناهان هستند، فرقی نداریم. او حفظمان کرده و این را باید انسان شاکر باشد. این فرشته‌ها

است که برای تو دعا می‌کنند. در جایگاه‌های خاص، نه عادی؛ فرشته‌های ویژه، نه فرشته‌های معمولی، اینها را خدای متعال قرار داده که دو کار ویژه دارند؛ یک: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ؛ [۳] کسانی که عرش [خدا] را حمل می‌کنند و آنها که پیرامون آنند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند». دائماً در مقام تسبیح و تقدیس پروردگار متعال هستند. کار بعدی‌شان این است: «وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا؛ [۴] و برای کسانی که گرویده‌اند، طلب آمرزش می‌کنند». برای مردم، مخصوصاً برای مؤمنان دعا و طلب مغفرت می‌کنند. دعایشان این است: «فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ؛ [۵] کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند، بینخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار». برای آنهایی که مخصوصاً اهل توبه هستند، می‌گویند: خدایا اینها را



چقدر این مطلع زیبا است؟! افتتاح همه‌ی گفتگوهای خوب و پیش‌برنده با خدا، صلوات است. هر وقت شما بخواهید پذیرش شوید و باب گفتگو بین شما و حضرت حق تعالی باز شود، و دعای شما به رغم همه‌ی این گرفتاری‌ها و خرابکاری‌ها شنیده شود، صلوات تمام این حجاب‌ها را کنار می‌زند و همه‌ی راه‌ها را می‌گشاید. همه‌چیز آماده می‌شود برای اینکه خواسته‌ی شما شنیده و اجابت شود.

### داستانی از کرامت امام رضا (علیه‌السلام)

بعد از صلوات، این عبارت نیز حسن مطلع خوبی است: «وَأَفْرُشِنِي مَهَادَ كَرَامَتِكَ، وَ أُوْرِدْنِي مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ». این درخواست، خیلی صمیمی است. من این جمله را که می‌خواندم، یاد جریانی افتادم که از حضرت رضا (علیه‌السلام) راجع به احمد ابن ابی نصر بزنطی نقل شده

آنجا مشغول دعا هستند، در جایگاه‌های رفیع، (یعنی اطراف عرش) که جایگاه مخصوص است و ظاهراً فرشته‌های مقرب آنجا هستند و دعاهاشان مستجاب می‌شود، برای جناب‌عالی دعا می‌کنند. خدای متعال آنها را قرار داده که برای شما طلب مغفرت کنند، آنها را قرار داده تا شما را در سیر و سلوک پشتیبانی کنند. انسان مؤمن در سلوکش هرگز تنها نیست. فقط باید حرکت کند و تصمیم بگیرد و بخواهد و راه بیفتد. خدای متعال تمام آنچه را که در عالم هست، به کمک مؤمن می‌فرستد. مؤمن سالک مؤید از جانب خدای متعال است؛ یعنی کمک و پشتیبان دارد. چی بهتر از این؟!

### صلوات، بهترین آغاز برای دعاها

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَفْرُشِنِي مَهَادَ كَرَامَتِكَ، وَ أُوْرِدْنِي مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ».

جایی که می‌گوید: «أَفْرِشْنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ»، مرا بر بستر کرامت خودت بخوابان و مستقر کن. البته صرفاً بحث خوابیدن نیست، خیلی صمیمی است. خوب آن بستر چیست؟ ببینید اینجا ترکیب چقدر بدیع و زیبا است. آن بستر کَرَم است. «أَفْرِشْنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ» یعنی آخر کرامت، یعنی می‌خواهی کسی را گرمی بداری، چه کار می‌کنی؛ با من همان کار را کن. از تو این توقع را دارم. برگردیم به داستان بزنطی. اینها قصه‌های عادی نیست. برای آنهایی که امام‌شناسی داشته باشند، همین قصه سرمستشان می‌کند و تا آخر عمر چیز دیگری نمی‌خواهد. امام (علیه‌السلام) مظهر کَرَم و لطف و رحمت پروردگار متعال است. اگر تو امام را با این معرفت شناخته باشی، آن وقت می‌دانی که «أَفْرِشْنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ» درخواست زیادی نیست.

است. این آقا دید که حضرت (علیه‌السلام) مرکب خود را فرستاده و از او دعوت می‌کند که شب مهمان حضرت باشد. بعد که آمد و مهمان شد، حضرت برایش سفره انداختند (وقتی انسان فکر می‌کند، هوش از سرش می‌رود؛ فقط تو باشی و امام مهمان خصوصی و حضرت خودش سفره بیندازد!). غذایش را خورد. بعد حضرت فرمودند: می‌خواهی امشب پیش ما بخوابی؟ گفت: از خدا می‌خواهم، چی بهتر از این! حضرت فرمود: پس آماده شو برای استراحت. حضرت خودشان رختخواب خودشان را برای احمد آقا پهن کردند و بعد فرمودند: بفرمایید. احمد، خجالت می‌کشید؛ ولی لذت هم می‌برد. رفت آنجا. حضرت گفتند: نه دراز بکش. روانداز خود را رویش انداختند و گفتند: «بیتک الله فی عافیة». خوش بگذرد، شب بخیر. این بنده خدا خوابید.

او رساند و ماجرا تمام شد. آن ذهنیت باعث می‌شد سقوط کند که حضرت جلوی سقوطش را گرفت. بعد فرمودند: حالا برو استراحت کن. [۷]

### سنگ تمام خداوند برای انسان

تمام این عالم و هرچه که در آن هست و این کره زمین، همه مهد کرامت الله تبارک و تعالی است. خود قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا؟ [۸] آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم؟». خدای متعال در مقام ضیافت و پذیرایی، با شما چه کرده است؟ برای شما همه‌چیز را آماده کرده است. تکریم هم می‌کند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» [۹] و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم». خدای متعال چه

بزنطی توهم گرفتش و با خود گفت: کسی از تو خوشبخت‌تر هست؟ تو کی هستی که حجت بالغه‌ی الهی، حضرت علی ابن موسی الرضا (علیه‌السلام) به تو مهمانی خصوصی داده، شب‌نگه داشته، رختخواب خودش را با دست خودش برای تو انداخت. داشت فکر می‌کرد که صدایش کردند. یکی آمد و گفت: آقا تو را می‌خواهد. خدمت حضرت آمد. حضرت گفتند: بیا جلو. آمد جلو، حضرت دستش را گرفت و فشار داد و فرمود: صعصعه ابن صوحان مریض شد. علی ابن ابی طالب (علیه‌السلام) که سید اوصیا است، به عیادتش رفت. صعصعه پیش خودش گفت که تو که هستی که علی به خون‌هات آمده برای عیادت. تا این به فکرش آمد، امیرالمؤمنان (علیه‌السلام) به او خطاب کرد و گفت: از این خیال‌ها نکن، هر کدام از دوستان ما که مریض باشند، ما به عیادتشان می‌رویم. حضرت همین مطلب را غیرمستقیم به

کردیم که همان رحمت رحمانیه است. انسان مؤمن از رهگذر ایمانش در واقع تقاضای تازه و نیاز برتری در او شکل می‌گیرد. آن نیاز برتر پذیرایی جان او است به وسیله عنایات خاص ربوبی که می‌شود رحمت رحیمه حق. این را از خدای متعال می‌خواهد. خوشا به حال آنهایی که بهره‌مند هستند. «برقی از منزل لیلا بدرخشید سحر؛ وه که با خرمن مجنون دل‌افگار چه کرد».[۱۰] چه می‌کند خدای متعال در آن رسیدگی‌ها؟ من چه می‌فهمم که چطور از آنها پذیرایی می‌کند؟ بین آنها و خدای متعال چه رابطه‌ای وجود دارد؟ چه تکریمی می‌شوند؟

### شهادت، اوج تکریم انسان توسط خداوند

ظاهراً قله‌ی این تکریم با شهادت انجام می‌شود. خدای متعال از این مسئله در سوره‌ی مبارکه‌ی یاسین پرده‌برداری کرده

ضیافتی برایت درست کرده است. این‌همه فرصت تکریم را خدای متعال برای شما فراهم کرده تا خودتان به کریمه‌ی خودتان توجه پیدا کنید؛ یعنی به جان خودتان توجه پیدا کنید و قدر آن را بدانید، و با استغاثه به درگاه خدای متعال و استناره و نور گرفتن از منابع نور و وحی، از ولی الهی کمک بگیرید و جان خودتان را مهمان کرامت حق قرار دهید.

### پذیرایی از جان، درخواست مؤمن از خداوند

«أَفْرَشِنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ» درخواست آن مرتبه از پذیرایی‌ها است؛ قانع نشوید به پذیرایی‌های ظاهری. البته اینها را هم ببینید، خود اینها خیلی شکرگزاری به درگاه خدای متعال دارد. چقدر شما را احترام کرده، فرق هم نگذاشته و فرموده: «كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» همه‌ی بچه‌های آدم را در سفره‌ی کرامت عمومی ضیافت

گفت که من از خدای متعال شبانه‌روز شهادت را تمنا می‌کنم؛ منتها با دو شرط: اینکه بعد از نودسالگی باشد؛ اینکه در حالت خواب باشد! غرض اینکه ظاهراً فاصله‌ای وجود ندارد و تا شهید به خودش بیاید، می‌بیند دعوتش می‌کنند به بهشت. فاصله‌ای بین شهادت او و دعوت به بساط قرب الهی نیست. مؤمن آل یاسین در جواب دعوت به بهشت، گفت: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ» [۱۳] [سرانجام به جرم ایمان کشته شد و بدو] گفته شد: به بهشت درآی. گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند». کاش مردم می‌دانستند که خدای متعال چگونه مرا آمرزید و مرا چه تکریمی کرد! چقدر مرا گرامی داشت! آن کرامت چیست؟ بر اساس بعضی از روایات، مخصوصاً روایاتی که از پیامبر داریم، بالاترین تکریمی که به شهید می‌شود، تجلی حق تبارک و تعالی به جمالش برای شهید است. می‌گوید تو برای خودم

است. وقتی مؤمن آل یاسین شهید شد، خداوند فرمود: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ» [۱۱] گفته شد به بهشت درآی». شهادتش خیلی عجیب بود، انداختند زیر دست و پا و آن‌قدر لگد زدند تا به شهادت رسید. هرچه خدای متعال پیامبر فرستاد، اینها تکذیب کردند. «فَعَزَّزْنَا بِتَالُوثِ» [۱۲] با [فرستاده] سومین [آنان را] تأیید کردیم». ما سومی را هم که فرستادیم، تکذیب کردند و اذیت و آزار دادند. او شروع کرد با قوم خودش صحبت کردن و آنها را نصیحت کرد که پیامبران از شما چیزی نمی‌خواهند، فقط دنبال سعادت شما هستند. ولی به جان این مؤمن افتادند که می‌گویند حبیب نجار بوده، از دورترین نقطه مدینه آمده بود. آن‌قدر با لگد زدند که زیر دست و پا له شد و به شهادت رسید. قرآن کریم می‌گوید به او گفته می‌شود که بیا بهشت؛ فرشته‌ها او را مستقیم به بهشت بردند. یکی از رفقای ما در زمان جنگ

## مواظب نعمت‌ها باشیم

طبعاً هر وقت نعمتی می‌آید، پشت سرش شیاطین جن و انس دست به دست هم می‌دهند که آن نعمت را بگیرند و حالت کفرانی در جامعه پیدا شود. لذا صبح چهارشنبه روز نوزدهم دی، بعد از اینکه آن موشک‌ها شلیک شد و بعد از آن شرکت عظیم مردم در راهپیمایی‌هایی که قابل توصیف نیست، اهالی قم خدمت آقا رفتند. آقا آنجا ابتدا راجع به حاج قاسم گفتند و بعد شروع کردند راجع به بنی‌اسرائیل صحبت کردن. خیلی‌ها تعجب کردند و من دیدم که به بعضی‌ها خیلی برخورد که الآن ما در چنین حال خوشی هستیم، آقا شروع کردند راجع به بنی‌اسرائیل و خطر کفران نعمت صحبت کردن. آقا فرمودند: خدای متعال می‌گوید ما بنی‌اسرائیل را بر همه‌ی عوالم تفضیل دادیم؛ ولی گرفتار کفران نعمت شدند و سقوط کردند. کنار هر نعمت

هستی، مرا ببین! چیزی که دیگران نمی‌توانند ببینند. از جمال الله به شهید نشان داده می‌شود.

خدا درجات امام راحل عظیم‌الشأن مان را آن‌به‌آن بالاتر قرار بدهد، ایشان می‌گفت شهدا در قهقهه مستانه‌شان عند ربهم یرزقون هستند. در آن مقام چه جامی به آنها دادند؟ شهادت خیلی بالا است. خوش به حال شهدا!

## سلیمانی، شهیدی متفاوت و ویژه

حالا دیگر نوبرش هم حاج قاسم بود. ما شهید زیاد دیده بودیم، انقلاب خیلی شهید به خودش دیده؛ اما ظاهراً این چیز دیگری بود، خیلی فوق‌العاده بود. می‌بینید که خیلی دلبری می‌کند. تحولی هم که به لطف خدای متعال در جامعه‌ی ما پیدا شد، خیلی مغتنم است.

بود. آقا، جواب آنها را می‌دادند، از بس داشتند حرف می‌زدند و حاج قاسم را مصادره می‌کردند.

به تمام معنای کلمه حادثه‌ی تلخی اتفاق افتاده که صف افراد را از هم جدا می‌کند. تا دیروز چه می‌گفتید، امروز چه می‌گویید. شما با استفاده از یک حال عاطفی که در جامعه پیدا شد و هیجانی که اتفاق افتاد، دوباره برگشتند به احقاد بدریه و خیبریه و حنینیه. هرکسی تلاش می‌کرد به سپاه تعرض کند.

### تعرض به نیروهای نظامی، گناهی نابخشودنی

خدای متعال شاهد است که هر نوع تعریضی نسبت به نیروهای مسلح، مخصوصاً سپاه، گناه نابخشودنی نزد خدای متعال و خلق است. هرچه در این کشور داریم، از برکت وجود اینها است که حالا خدای متعال از یکی رونمایی کرد. روزهای اخیر در

بزرگی، حواستان به شکر باشد و اینکه مبتلا به کفران نشوید.

### جدا شدن صف دوست از دشمن در حادثه سقوط هواپیما

صحبت‌های ۱۹ دی را ببینید که مهم است. این نعمت، خیلی بزرگ است و شکرش هم به نسبت خودش باید خیلی بزرگ باشد. نه دوستان و نه دیگران گمان نکنند با حوادث و اتفاقاتی مثل ماجرای هواپیما، این قضیه به حاشیه می‌رود. اینها امتحانات و ابتلائات است برای اینکه بعضی‌ها که خودشان را با صف خالصین قاطی کرده بودند، غربال شوند که این خاصیت آخر الزمان است. خیلی‌ها خودشان را با اهل حق قاطی کرده بودند و مثلاً می‌گفتند حاج قاسم برای ما است. بعضی‌ها می‌گفتند اصلاً حاج قاسم مال ما و از تیپ ما بوده. آقا فرمودند: بعضی‌ها سوءاستفاده نکنند؛ حاج قاسم یک انقلابی به تمام معنا

ایران خودشان صریح در مقابل چشم دوست و دشمن اعلام می‌کنند و به عهده می‌گیرند.

### خاطره‌ای نفس‌گیر از عملیات کربلای ۵

در عملیات کربلای ۵، ما رسیدیم به نقطه‌ی حساسی به نام جزیره بوآرین. رفقای ما همه افتادند تو کانال، یک عده ناله می‌کردند و در حال شهادت بودند، یک عده هم شهید شدند، خیلی صحنه‌ی عجیبی بود؛ برای شما قابل تصور نیست. ما چند نفر گرفتار و مجروح، بعد از یک شب عملیات خیلی سنگین. به گمانم پنج نفر مانده بودیم. دشمن هم به ما نزدیک می‌شد. محاصره بودیم و آماده اینکه یا کشته شویم یا اسیر. لحظات خیلی سختی بود. کانالی که ما در آن بودیم، با تیر معمولی نمی‌زدند، با آر پی جی می‌زدند. ما با این چند نفر عهد بستیم و گفتیم که ما می‌رویم. یکی از بچه‌ها بود

سطح بالاتری حاج قاسم بود که دل همه را با خودش برد. اینها گوهرها و گنج‌های ناشناخته این مجموعه‌ها است. حالا خطایی اتفاق افتاده، هیچ جای دنیا رسم نیست در مواقع خطرناک که کشورشان در شرایط جنگی است، مقامات اعتراف کنند. حتی عمدش هم اتفاق بیفتد، رسم نیست عذرخواهی تا چه رسد به خطایش. ولی عالی‌ترین مقامات تأمین‌کننده امنیت ملی، جلوی ملت عذرخواهی کردند. حرف‌های آقای حاجی‌زاده، انسان را به گریه می‌اندازد. همه را تپه‌یر می‌کند و همه‌ی مسئولیت را خودش به عهده می‌گیرد. صحبت‌های آقای سلامی در مجلس نیز بسیار خوب بود. سپاه قیمتی است. اگر اینها چیزی نمی‌گفتند، کسی نمی‌فهمید. طرف بیرونی هم قانع شده بود، نشانه‌ای از اینکه اینجا این اتفاق افتاده، نبود. صدها از این اتفاقات در دنیا می‌افتد و کسی اینها را آشکار نمی‌کند. اما در



بزرگی دارد نزدیک می‌شود. چرخ می‌خورد زیر منورها، البته هوا روشن بود و ماه هم بود. اینها چرخ می‌خوردند و از لای نخل‌ها و نی‌ها و سنگرها، جلو می‌آمدند. آتش هم از همه طرف بود. نزدیک نزدیک که شدند، تا خواستم بگویم بزیند، گویا زبانم لال شد و بند آمد. مثل اینکه کسی به من گفت که نزن. در کسری از ثانیه به ذهنم آمد که نکند خودی باشند؟ شرایط منطقه به گونه‌ای نبود که تصور کنیم بچه‌های خودمان دارند می‌آیند. به سید گفتم: از آنها رمز شب را پیرس. سید هم داد زد رمز شب، آنها آن قدر نزدیک بودند که صدای سید را شنیدند و بلند گفتند: نزنید، ما از خودیم و رمز را گفتند. قبل از اینکه رمز را بگویند، بچه‌ها شروع کردن بلند بلند فارسی حرف زدن، که آقا نزنید ما از خودیم. آمدند جلو، دیدیم بچه‌های گردان امام سجاد (علیه‌السلام) هستند که قرار بود به ما الحاق شوند؛

که خیلی دردش زیاد بود، یک نفر نشست کنار او تا آن لحظات را برای او آسان کند. ما چند نفر هم یکی تیربار گرفت و منم یک بی‌بی کلاش داشتم. بی‌بی کلاش خزانه تیرش زیرش نصب می‌شود. گفتیم که ما آماده‌ایم. یک سید روحانی که عمّامه‌اش هم سرش بود، گفتم تو برو بالا کانال و دیده‌بانی بده. هر وقت دیدی کسی به سمت ما می‌آید، خبر بده. ناگهان خبر داد که ستون دارد سمت ما می‌آید. ما شهادتین را خواندیم و آماده شدیم و با هم قرار گذاشتیم که تا آخرین تیر بزینم و کسی از آنها را نگذاریم زنده بمانند. خیلی هم گلوله نداشتیم؛ اما هرچه که بود بردیم. موضع گرفته بودیم و ایستادیم. قراری که گذاشتیم این بود که وقتی دشمن نزدیک نزدیک شد به طوری که کمتر کسی از تیررس بیرون بماند، من دستور بدهم. دیگر فرمانده‌ای نمانده بود. سرم را بالا آوردم و دیدم دارند ستون

است که همه‌ی ما می‌رویم، دیر یا زود، همه ما دلمان سوخت، اصلاً از قبلش سوخته بود، حالا حتی با خطای انسانی که نباید بگوییم، باید خطای سیستمی بگوییم، آن موقع هم دلمان سوخت، حالا بیشتر سوخت. اما برخی از رفقای ما آن را بزرگ می‌کنند و زیاده‌روی می‌کنند. توضیح هم دادند. می‌گفتند: چرا دیر گفتید؟ این هم از آن حرف‌ها است، وسط میدان جنگ نمی‌شود. ضمن اینکه شرایط کشور عادی نیست، شما تمام حیثیت یک ابر قدرت را به هم ریختید و خوردش کردید، دیوانه است، ناگهان کاری دست کشور می‌دهد. حالا وسط این ماجرا اگر بخواهد خبری هم اعلام شود، باید در بررسی‌های تکمیلی، زمان و شرایط هم محاسبه شود. خدا خودش همه را اصلاح کند. خدا کسانی که این سانحه برایشان اتفاق افتاده هم رحمت کند؛ مخصوصاً بعضی‌ها که جزء نخبه‌ها بودند. اینهایی

ولی دیر رسید بودند. جایی بود که ما قیچی شده بودیم. اگر من گفته بودم بزیند، خدا می‌داند چقدر از بچه‌ها را کشته بودیم و حتماً آنها هم از ما می‌کشتند؛ یعنی خودمان، خودمان را تمام می‌کردیم. جنگ و شرایط ناامن این‌طوری است.

### نکاتی درباره ساقط شدن هواپیمای مسافربری

وقتی همه‌ی موشک‌های شما آماده شلیک است، یک لحظه هم این‌طور پیش می‌آید، هیچ قصدی هم نیست، فقط قصد حفظ امنیت کشور و خانواده‌ها است که در مخاطره‌ی دست‌اندازی دشمن است. این اپراتور بیچاره هم یک لحظه باید تصمیم بگیرد، البته خود رفقا هم زیاده‌روی می‌کنند. آنها ان‌شاءالله در امان الهی هستند. تازه عنوان شهید هم به آنها داده شد. ان‌شاءالله که در مغفرت الهی و رحمت الهی هستند. این راهی

## منابع و مأخذ

- که ظاهر دلسوزی به خود گرفته‌اند، خدا می‌داند یک میلیارد فرمانده‌های سپاه و شماها و بچه‌های مؤمن دلشان نسوخت. اینها فیلم، بازی می‌کنند. خدای متعال به خانواده‌هایشان صبر و اجر بدهد و اینها را حفظ کند از اینکه به دام بازی‌های رسانه‌ای بیفتند. از این مرحله هم جامعه ما بگذرد و به بلوغ بالاتر برسد. روح این شهدا مدد خواهد کرد برای یک مرحله‌ی کامل‌تر و بهتر. تحولی که به برکت این شهادت پیش آمد، آثارش خیلی عمیق است در نسل ایران و جوانان ما و جامعه‌ی ما. خیلی کار بزرگی است. کور خوانده‌اند که فکر می‌کنند شهادت آن مرد بزرگ تحت تأثیر سقوط هواپیما قرار می‌گیرد و آسیب می‌بیند. آسیب نمی‌بیند؛ اگر به آن آسیب نزنیم و شکرش را به جا آوریم.
- [۱]. اعراف: ۲۶.
- [۲]. همان: ۲۰۱.
- [۳]. غافر: ۷.
- [۴]. همان.
- [۵]. همان.
- [۶]. همان: ۹.
- [۷]. شیخ عبدالله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف، ج ۲۲، ص ۴۴۸.
- [۸]. نبأ: ۶.
- [۹]. اسراء: ۷۰.
- [۱۰]. حافظ.
- [۱۱]. یس: ۲۶.
- [۱۲]. همان: ۱۴.
- [۱۳]. همان: ۲۶.





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۶ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر